

متن پیاده سازی شده جلسه پنجم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 27 مهر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز در مورد یکی دیگر از ظنون خاصه بحث خواهیم کرد و آن ظن خاص شهرت می باشد.

شهرت

آیا نفس شهرت از ادله و ظنون خاصه است یا نه؟

محل بحث

اولاً ما در این بحث ، شهرت در روایت ، یا شهرت مستند به روایت را بحث می کنیم.

ثانیاً: بحث ما در کارایی استقلالی شهرت است نه کارایی ایزاری ؛ کارایی استقلالی یعنی اینکه فقیهی حکمی را به خاطر شهرت صادر کند ؛ به عبارت دیگر شهرت سند فتوا باشد.

ثالثاً: شهرت بنا بر انسداد که نتیجه اش حجیت همه ظنون است بحث خاصی ندارد و بنا بر انفتاح است که این بحث مطرح می شود.

نکته: ما در کشوری که دین دارد اگر بخواهیم قانون بنویسیم چطور باید قانون بنویسیم ؛ آیا باید فتوا مرجع زمان را بنویسیم؟ یا فتوای ولی فقیه؟ هر دو با مشکلی مواجه هستند و مشکل این است که مرجع و ولی فقیه فوت می کنند اما قانون همیشه می ماند ؛ از زمان های گذشته مرسوم است که فتوای مشهور را می نویسند.

این هم کاربرد سندی برای شهرت در نوشتن قانون است .

ورود به بحث

صاحب کفایه: 4 مطلب را بیان می کند.

مطلب اول: برخی قائل به کارایی سندی شهرت شدند ولی دلیلی موافق آنها نیست.

استاد: ایشان ورود خوبی به بحث نکرده است ؛ محل بحث را تبیین نکرده است و فقط اعلان موضع کرده است.

ادامه کلام کفایه: ایشان در غالب دو دلیل از طرف قائلین به حجیت می گوید:

1: برخی گفته اند وقتی شما خبر واحد را به خاطر ظن آور بودن حجت می دانید پس باید شهرت را به طریق اولی حجت بدانید چرا که در شهرت این ظن قوی تر است.

مرحوم آخوند: از کجا می گوئید که خبر واحد از باب افاده ظن حجت شده است؟! اگر یک خبر واحدی رجالش کلاً ضعیف باشد و برای شما ظن به بار بیاورد شما قبول می کنید؟!

برخی گفته اند خبر واحد و لو ظن، بر خلافش هم باشد باز هم حجت است.

2: ما دو روایت داریم از امام علیه السلام ؛ اولی روایت زراره از امام صادق علیه السلام است و دومی روایت ابن حنظله است.

روایت زراره: در موردی که دو روایت تعارض کنند امام علیه السلام می فرمایند خذ بما اشتهر بین اصحابک

و مراد از (ما) موصول می شود روایت را قرار داد و ممکن است فتوی قرار داد.

اما روایت ابن حنظله : امام علیه السلام فرمود : ينظر الی ما کان من رواياتنا عنا نگاه شود به روایات ما و در ادامه می

فرماید به روایتی که موافق شهرت است اخذ شود و شهرت لاریب فیه است.

مرحوم آخوند یک جمله جواب می دهد : این دو حدیث به روایت نظر دارند نه فتوا ؛ و لذا شهرت در روایت در اینجا مطمح نظر

است.

استاد: آیا استدلال به این دو روایت درست است یا نه؟ و این بسیار مهم است.
مطلب آخر مرحوم آخوند: انصافاً طرفداران شهرت می توانند این دلیل را ذکر کنند؛ مهمترین دلیل خبر واحد بنای عقلا است و عقلا به دنبال اطمینان و ظن قوی هستند و لذا ظن قوی و اطمینان هر کجا باشد آن دلیل را معتبر می کند و از این باب شاید بتوان به حجیت شهرت رای داد.

مرحوم آخوند: اثبات این مطلب اخیر هم مشکل است؛ آیا خود اطمینان و ظن قوی موضوعیت داشته است و عقلا به طریق توجهی نداشتند؟ آیا علت حجیت خبر واحد واقعا بنای عقلاست؟ و...

و الحمد لله رب العالمین